

سیمایی صراف؛ از حفظ زارچی تا حذف نجفی

روز دوشنبه ۱۸ خرداد، حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طی حکمی دستور عزل دکتر موسی نجفی، دانشمند برجسته علوم سیاسی و از چهره‌های اثرگذار در تولید فکر و تربیت نخبگان دانشگاهی، از سمت «سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» صادر کرد. موضوعی که با انتقادات گسترده نخبگان و اساتید مطرح کشور و همچنین نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی-رسانه‌ای همراه بود. سیمایی صراف از جمله حامیان برخی چهره‌های برانداز در دانشگاه مانند شریفی زارچی بود.



۲



تشدید تهدیدها پس از شکست در میدان؛ واشنگتن و تل آویو هنوز از واقعیت ایران درس نگرفته‌اند

قمار خطرناک در هرمز

۷



همتی اسب زین شده را به کجارسانید؟

۵

دیپلماسی شکست‌ناپذیر آقا کمال!

۸



تحریم نتیجه مذاکرات

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

قطعنامه ضدایرانی شورای حکام با ۲۱ رأی موافق، ۳ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع تصویب شد، اما اهمیت این رأی گیری بیش از آنکه در تعداد آرا و تصویب آن باشد، در پیامی است که برای برخی در داخل کشور دارد؛ پیامی روشن، صریح و غیرقابل انکار: این هم نتیجه اعتمادسازی، مذاکره و امتیازدهی به غرب است. سال‌هاست عده‌ای در داخل نسخه‌ای واحد برای حل همه مشکلات کشور می‌پیچند؛ مذاکره کنید، تنش را کاهش دهید، اعتمادسازی کنید، با دنیا حرف بزنید و نشان دهید که اهل تعامل هستید. استدلالشان هم این بود که اگر ایران حسن نیت خود را ثابت کند، طرف مقابل نیز با حسن نیت رفتار خواهد کرد. حالا سؤال اینجاست؛ نتیجه چه شد؟

ادامه در صفحه ۷

صفحه ۳

سیاسی

جنجال‌های یک آقازاده

حضور فرزند پزشک‌بان در جلسات رسمی و سفرهای رئیس‌جمهور و اظهارات شاد او از جلسات محرمانه هیئت دولت آنهم در بنبوحه جنگ حاشیه‌ساز شده است. حضور و اظهاراتی که پرسش‌هایی درباره حدود نقش، سطح دسترسی و نوع ارتباطات او در دولت ایجاد کرده است.

صفحه ۴

اقتصادی

وعده‌ای که به سفره مردم نرسید

دولت برای جبران آثار تورمی این تصمیم خود، پرداخت ماهانه یک میلیون تومان کالابری الکترونیکی را اجرا کرد؛ اما با گذشت شش ماه از اجرای این طرح و با وجود رشد شدید قیمت کالاهای اساسی دولت هنوز وعده دولت خود برای افزایش اعتبار کالابری عمل نکرده است.

انتقادات به اقدام اخیر وزیر علوم در عزل دکتر نجفی از ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بالا گرفت؛

سیمایی صراف؛ از حفظ زارچی تا حذف نجفی

روز دوشنبه ۱۸ خرداد، حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طی حکمی دستور عزل دکتر موسی نجفی، دانشمند برجسته علوم سیاسی و از چهره‌های اثرگذار در تولید فکر و تربیت نخبگان دانشگاهی، از سمت «سرپرست

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» صادر کرد. موضوعی که با انتقادات گسترده نخبگان و اساتید مطرح کشور و همچنین نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی-رسانه‌ای همراه بود.



جعفر کاظمی

روزنامه نگار

ترجیح اراذل بر افاضل

علاوه بر این ثابتی نماینده تهران در مجلس در نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر علوم در این باره نوشت: «شما بهتر از بنده می‌دانید که دکتر موسی نجفی از اساتید برجسته علوم انسانی کشور تا چه حد مورد توجه و علاقه رهبر شهید انقلاب اسلامی بود تا جایی که ایشان در جلسه‌ای در دهه ۹۰ با حضور جمعی از اساتید و نخبگان علوم انسانی، دکتر نجفی را روشنفکر تراز انقلاب اسلامی توصیف کرده بودند.»

او خطاب به سیمایی افزود: «بهتر از بنده می‌دانید که در سال ۴۰۳ وقتی در کسوت وزیر علوم می‌خواستید ایشان را از ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تغییر دهید، علاوه بر شخصیت وزین و علمی دکتر نجفی آنچه مانع بزرگی برای تصمیم شما بود، توجه و علاقه رهبر شهید نسبت به این چهره علمی بود.» نماینده مردم تهران همچنین اظهار داشت: «اکنون که تنها به فاصله سه ماه از شهادت آیت‌الله‌خامنه‌ای و در میانه جنگ، یکباره ایشان را عزل کردید نشان می‌دهد چقدر منتظر فرصت برای چنین روزی بودید در حالی که اگر نگاه‌تان در مدیریت وزارتخانه غیر سیاسی و علمی بود، قطعاً حضور دکتر نجفی در این مسند را برمی‌تابیدید چرا که حتی منتقدان فکری وی نیز اذعان دارند که ایشان از چهره‌های برجسته فکری و شاخص علوم انسانی در کشور است.»

نماینده مردم تهران در انتهای نامه خود تاکید کرد: «البته در زمانه‌ای که اراذل بر

حمایت اساتید برجسته کشوری از دکتر موسی نجفی

در واکنش به این اقدام، جمعی از اساتید، اعضای هیئت علمی و دانشگاهیان در بیانیه‌ای نسبت به عزل دکتر موسی نجفی از ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توسط وزیر علوم بر خلاف نقض دستور امام شهید اعتراض کردند. دانشگاهیان در این بیانیه ضمن اعلام نگرانی عمیق جامعه دانشگاهی در قبال این مسئله تصریح کردند: «طبق اخبار دقیق و صریح، در آغاز دولت نیز چنین جابه‌جایی‌ای مطرح شده بود، اما با مخالفت و پیام مستقیم رهبر شهید انقلاب اسلامی متوقف گردید.» در این بیانیه به بی‌اعتنایی دولت چهاردهم به سفارش روشن رهبر شهید انقلاب اشاره و تاکید شد مسئله‌ای که مربوط به حفظ سرمایه‌های فکری انقلاب است، نمی‌تواند برای جامعه دانشگاهی مؤمن و انقلابی قابل قبول باشد. دانشگاهیان با بیان اینکه دکتر موسی نجفی صرفاً یک مدیر یا استاد دانشگاه نیست؛ اظهار داشتند: «او از متفکران ریشه‌دار علوم سیاسی و از چهره‌های اثرگذار در تبیین مبانی فکری انقلاب اسلامی است. آثار علمی، شاگردان پر شمار و نقش آفرینی فکری ایشان در تربیت نسل‌های متعهد و نخبه، سرمایه‌ای ملی و انقلابی برای کشور محسوب می‌شود.»

دانشگاه

وزیر علوم پیگیر اخراج نهایی دانشجوی هتاک باشد

شامگاه سه‌شنبه ۱۹ خرداد، شورای انضباطی تجدیدنظر دانشگاه صنعتی شریف در اقدامی شجاعانه و قابل تقدیر حکم اخراج رضا دالمن عنصر اهانت کننده به رهبر شهید انقلاب را تایید کرد. پیش‌تر نیز چهار اتحادیه دانشجویی کشور در هفته گذشته خواستار شفاف‌سازی احکام انضباطی و پایان محافظه‌کاری در برابر ساختارشکنان اتفاقاتی در دانشگاه‌ها شده بودند. موضوعی که در حوزه دغدغه بسیاری از مردم کشورمان بوده و در تجمعات شبانه، مردم خیابان نسبت به ضرورت برخورد با خائنان به وطن مطالبات مضاعف دارند. چرا که هنجارشکنی‌های برخی از دانشجویان در دی‌ماه ۱۴۰۴ در فضای دانشگاهی برای کشورمان بسیار گران تمام شد. ورود گروه‌هایی که با رفتارهای خشونت‌آمیز، ایجاد تنش، سنگ‌پراکنی، تخریب اموال، توهین به ارزش‌ها و هنجارهای عمومی، فضای علمی کشور را به صحنه درگیری و آشوب تبدیل کردند، نه فعالیت دانشجویی است و نه کنش مدنی! موضوعی که با سواستفاده رسانه‌های معاند و جنگ تبلیغاتی آمریکا علیه ایران همراه بود و زمینه ساز حمله ارتش تروریستی آمریکا به خاک

کشورمان و خسارات چند ده میلیارد دلاری به کشور و شهادت هزاران نفر از هموطنان مان شد. نکته مهم در اخراج این دانشجوی هنجارشکن، لزوم تایید نهایی پرونده اخراج او در شورای انضباطی مرکزی وزارت علوم لازم است. بر اساس آیین نامه انضباطی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شیوه نامه اجرایی‌آن، این حکم باید در شورای انضباطی مرکزی وزارت علوم تایید و قطعی شود. لازم به ذکر است همزمان پرونده قضایی فرد خاطی در قوه قضاییه نیز در حال پیگیری است موضوعی که پیگیری ویژه وزیر علوم و پاسخگویی او در این خصوص را می‌طلبد.



خبر کوتاه

انتصاب هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه با حکم رهبر انقلاب

حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای، طی حکمی اعضای جدید هیئت مدیره‌ی مرکز خدمات حوزه‌های علمیه را برای مدت پنج سال منصوب کردند. بر این اساس، حجج اسلام والمسلمین حسین رحیمیان، محمد جعفری گیلانی، محی‌الدین مکارم شیرازی، قدمعلی اسحاقیان، محمد مهدی حقانی و محمد حسین احسانی، به همراه نماینده مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، نماینده حوزه علمیه خراسان و رئیس جامعه المصطفی‌العالمیه، به عنوان اعضای جدید هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه منصوب شدند. جلسه تودیع و معارفه اعضای جدید هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در روزهای ابتدایی خردادماه جاری با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمدیان معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری، بیروانی معاون نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری، اعضای سابق و اعضای جدید هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه علمیه برگزار شد. در این جلسه ضمن تشکر از اعضای سابق و رئیس مرکز، بر اساس نتیجه رأی‌گیری از اعضای جدید، حجت الاسلام والمسلمین حسین رحیمیان مجدداً به عنوان رئیس هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه انتخاب شد.

خضریان: بازدارندگی باید به نقطه‌ای برسد که دشمن نتواند نقض آتش بس کند

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: جنگ یک امر تخصصی و کاملاً کارشناسی است که بر مبنای عواطف و احساسات جلونمی‌رود که اگر بخواهد اینگونه باشد ممکن است پیروزی‌های ما را تبدیل به شکست کند. درخواست از مردم عزیزو شریف ایران این است که در میدان نبرد به نیروهای مسلح و فرماندهان همان گونه که در زمان آفند اعتماد دارند و ابراز خوشحالی می‌کنند، در کلان هم به تدابیر نیروهای مسلح اعتماد کنند. ما باید این را بیذیریم که در میدان نبرد دشمن را باید به نقطه‌ای از بازدارندگی برسانیم که او اصلاً هوس نقض آتش بس نکند.

برگزاری انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌ها در تیرماه

حجت الاسلام علیرضا سلیمی، عضو هیئت رئیسه مجلس گفت: انتخابات هیئت رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس برای اجلاسیه سوم دوره دوازدهم به صورت حضوری برگزار می‌شود. وی افزود: این انتخابات در هفته دوم و سوم تیرماه برگزار خواهد شد و زمان برگزاری جلسات برای انتخابات طبق برنامه به کمیسیون‌ها اعلام می‌شود.

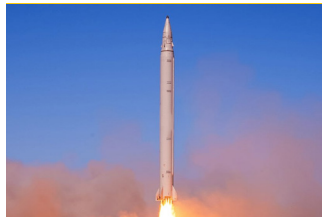
رضایی: آمریکا در پرونده میناب فراموشکار شده است

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: پس از ۲ روز پنتاگون و کاخ سفید به این نتیجه رسیدند که سقوط بالگرد در تنگه هرمز کار ایران است ولی ۱۰۲ روز از قتل عام دانش‌آموزان میناب می‌گذرد و هنوز تحقیقات درباره کشتار دختران میناب ادامه دارد! دروغگویان اپستینی به دخترکان بیگناه که می‌رسند اینگونه فراموشکار می‌شوند.

میدان



الازرق اردن به بانگ اهداف موشکی سپاه اضافه شد



روز گذشته نیروهای مسلح کشورمان در پاسخ به حملات ارتش تروریستی آمریکا به جنوب ایران، ۴ هدف مهم در پایگاه هوایی و مرکز فرمانده کنترل ارتش در الازرق اردن و ناوگان پنجم نیروی دریایی ارتش آمریکا را هدف قرار دادند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اینباره طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «رژیم جنگ افروز آمریکا در اوایل بامداد امروز با بهانه های واهی چند نقطه در جاسک، سیریک و قشمر را مورد حمله قرار داد که به یک دکل مخابراتی در سیریک خساراتی وارد آمد و دو مخزن آب بخش بمانی این شهرستان منهدم شد. در پاسخ به این حرکت شرارت آمیز دشمن، رزمندگان نیروی دریایی سپاه ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه بامداد ناوگان پنجم دریایی بحرین را مورد حمله پیهادی قرار دادند.» سپاه تاکید کرد: «درگیری‌ها ادامه دارد و پاسداران غیور ملت ایران در حال پاسخگویی به تجاوزهای دشمن هستند و در صورت ادامه شرارت، پاسخ‌های سنگین‌تری در راه است» همچنین روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: «به دنبال عملیات موفق نیروی دریایی سپاه در اصابت قرار دادن ۲۱ هدف در پایگاه‌های هوایی و دریایی آمریکا در منطقه و ساقط کردن یک فروند پهپاد MQ۹ در آسمان شهرستان جم، با توجه به تداوم شرارت‌های دشمن در تکمیل عملیات مقابله به مثل، قوای اسلام و رزمندگان شجاع هوافضای سپاه توسط موشک های سوخت جامد دوربرد خود ۴ هدف مهم از جمله آشیانه های جنگنده های F۳۵ در پایگاه هوایی و مرکز فرمانده کنترل ارتش کودک‌کش آمریکا در الازرق اردن را مورد هدف قرار داده و منهدم کردند.» روابط عمومی سپاه تاکید کرد: «نیروهای ما آماده پاسخ گوبنده و قاطع به هرگونه تجاوز مجدد دشمن هستند و عواقب هر تجاوز مجدد بر عهده دشمن آمریکایی میباشد.»

مروری بر نقش و حاشیه‌های ناتمام پسر رئیس‌جمهور در دو سال اخیر:

جنگال‌های یک آقازاده

در مدت‌زمان سپری‌شده از دولت مسعود پزشکیان، فارغ از حاشیه‌های روزانه، هفتگی و گاه ساعتی دولت او یک چیز بیش از همه نگاه‌ها و افکار عمومی را به خود درگیر نموده است. فرزند او یوسف، که هم حضورش در جلسات رسمی و سفرهای داخلی و خارجی رئیس‌جمهور حاشیه‌ساز شده است و هم اظهارات شاذ او از جلسات محرمانه هیئت دولت آنهم در بحبوحه‌ی جنگ! حضور و اظهاراتی که پرسش‌هایی درباره‌ی حدود نقش، سطح دسترسی و نوع ارتباطات او در دولت ایجاد کرده است.

علیرضا تسلیمی
روزنامه‌نگار

نظام از خانواده‌ی شخص اول قوه مجریه آغاز شده است. پیامی که با هر نیتی نوشته شده بود،

در زمین جنگ روانی دشمن، به موشکی برای هدف گرفتن اعتبار کشور در نزد افکار عمومی تبدیل شد. حاشیه‌های قلمی او اما به همین یک توثیت ختم نشد.

چندی بعد، در یادداشتی دیگر که باز هم از کانال «ناپیدا» سرباز کرد، پرده از نگرانی‌ای برداشت که در جلسه‌ای با حضور برخی مسئولان دولتی مطرح شده بود: اینکه تهدید دونالد ترامپ علیه زیرساخت‌های ایران، شاید چیزی فراتر از یک

لفاظی سیاسی باشد و بتوان آن را اشاره‌ای به حمله اتمی تفسیر کرد. فارغ از آنکه این برداشت چقدر با واقعیت‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور هم‌خوانی دارد یا نه، پرسش اصلی اینجاست که اساساً یک فرد خارج از دایره مسئولیت رسمی، با چه مجوزی محتوای چنین جلسه‌ای را به فضای عمومی می‌کشانند؟ افشای این حرف‌ها، نه تنها کمکی به آگاهی بخشی نمی‌کند، بلکه عملاً تبدیل به دستاویزی تازه برای دشمن جهت ایجاد ارباب و ترس در دل مردم را فراهم می‌کند.

حضور مستمر او در نشست‌هایی که اصولاً باید با رعایت بالاترین سطح حفاظت اطلاعاتی و پروتکل‌های امنیتی برگزار شود، این سؤال را به وجود آورده که آیا اساساً ضابطه‌ای برای سطح دسترسی اعضای خانواده مقامات عالی‌رتبه به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده وجود دارد یا خیر. وقتی فرزند یک مقام ارشد اجرایی در بحبوحه‌ی تنش‌های نظامی و امنیتی کشور، به خود اجازه می‌دهد محتوای جلسات محرمانه رادر فضای عمومی بازگو کند، پای اعتماد عمومی و حتی امنیت ملی به میان می‌آید. این پرسش که آیا او صرفاً یک همراه است یا نقشی تعریف نشده در ساختار دولت دارد؟، بی‌پاسخ مانده و همین ابهام بردامنه حاشیه‌ها افزوده است.

یکی دیگر از حاشیه‌های این آقازاده پیامی



در بر همان پاشنه
می چرخد؟

مشخص نیست
مسیر دولت چهارم
از ریل فامیل
پروری و دخالت
اقوام درجه یک
رئیس‌جمهور در
امور کشور به ریل
شایسته سالاری و
عدم دخالت فامیل
و اقوام نفر اول
اجرای کشور تغییر
مسیر می‌دهد یا
با دهن کجی به
افکار عمومی در بر
همان پاشنه می
چرخد.

در شبکه اجتماعی ایکس از قول یکی از کارمندان دولت بود که در آن مدعی قزو استخر وزارت جهاد کشاورزی برای استفاده یوسف از آن شده بود که پس از چندی توسط روابط عمومی وزارتخانه مذکور تکذیب شد. هرچند این داستان با واکنش سریع روابط عمومی آن وزارتخانه تکذیب شد، اما اصل انتشار چنین محتوایی از حلقه نزدیکان رئیس‌جمهور و عدم برخورد قضایی با منتشرکننده این خبر که دولت مدعی کذب بودن آن است، نشان‌دهنده فضایی است که در آن خط قرمزها نه تنها کم‌رنگ، که عملاً از میان برداشته شده است.

آنچه بروخامت اوضاع حاشیه‌های این آقا زاده می‌افزاید، سکوت یا برخورد منفعلانه شخص رئیس‌جمهور در قبال این رفتارهاست. پزشک‌یکان که روزی خود را در قامت یک منتقد جدی فساد و رانت‌خواری معرفی می‌کرد، اکنون در موقعیتی قرار گرفته که یا نمی‌خواهد یا نمی‌تواند در برابر زیاده‌خواهی‌های اطرافیانش بایستد. این وضعیت به سرعت در حال تبدیل شدن به پاشنه آشیل دولت اوست؛ دولتی که آمده بود تا «صدای بی‌صدایان» باشد، اما حالا صدای آقازادگی از تزیبون‌های آن بلندتر از هر ندایی به گوش می‌رسد. حلقه یاران نزدیک رئیس‌جمهور نیز به جای مهار این رفتارها، گاه با سکوت و گاه با توجیه، عملاً به آن مشروعیت می‌بخشند و آتش حاشیه‌ها را تندتر می‌کنند.

خبر کوتاه

کوثری: نباید اجازه تکرار ناامنی در منطقه را داد

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی درباره الزامات تحقق پیروزی ایران در برابر دشمن، گفت: جمهوری اسلامی ایران باید مطالبات و حقوق خود را با جدیت دنبال کند. از جمله اینکه نباید اجازه داده شود جنگ و ناامنی بار دیگر به منطقه تحمیل شود، مدیریت تنگه هرمز باید براساس قوانین و منافع جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد، پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه جمع‌آوری شوند و خسارت‌های واردشده نیز مورد توجه قرار گیرد.

بهداری جهرمی: حمله به مخازن آب جنایت جنگی است

سخنگوی دولت سیزدهم در دولت شهید رئیسی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: حمله به مخازن آب جنایت جنگی است. دولت مکلف است فوراً نسبت به این قبیل جنایات جنگی روشنگری جهانی کرده و در مراجع مرتبط پرونده‌های حقوقی و سیاسی تشکیل دهد. تاخیر در پاسخ حقوقی هم خسارت آفرین است و هم جای جلاد و شهید را عوض خواهد کرد.

شهادت پرسنل شهرداری تهران در حمله دشمن

عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران در فضای مجازی نوشت: یازدهمین همکار سرافراز خانواده شهرداری تهران در صدمین روز از مقاومت تاریخی مردم ایران در حمله دشمن به شهادت رسید. سربلندی شهرداری تهران در این جنگ مرهون شجاعت بزرگ مردانی همچون «امید بختیاری» است که قهرمانانه جان خود را فدا کردند.

عدلیه

ستاد ویژه فضای مجازی اختیار تصمیم‌گیری و صدور مصوبه ندارد

رئیس دیوان عدالت اداری گفت: ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور، دیگر اختیار تصمیم‌گیری و صدور مصوبه در حوزه فضای مجازی نخواهد داشت وی افزود: با اصلاح ساختار «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور»، این ستاد فقط در قالب ارائه پیشنهاد و گزارش کارشناسی فعالیت می‌کند.

توقیف اموال ۴۷ نفر از خائنین به وطن

رئیس کل دادگستری استان خراسان شمالی گفت: در طول جنگ رمضان نیز تعداد ۱۴ قفره پرونده قضایی علیه اشخاص مرتبط با دشمن تحت عناوین اتهامی، اعم از فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی ضد امنیت داخلی و خارجی تشکیل شد. وی افزود: در اجرای قانون تانکون اموال ۴۷ نفر از خائنین به وطن و افراد تأثیرگذار در شبکه کمک به نفع دشمن، در استان خراسان شمالی شناسایی و توقیف شده است.

زیباکلام بازداشت شد

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: هفدهم خرداد بود که خبر تشدید قرار نظارت قضایی صادق زیباکلام در پی نقض قرار ممنوعیت هرگونه فعالیت رسانه‌ای و تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی رسانه‌ای شد. زیباکلام با وجود اعلام دادستانی تهران مبنی بر قرار نظارت قضایی با نقض این قرار، در مصاحبه‌ای اظهاراتی مطرح کرد که همین مصاحبه و ادعاهای مطرح شده در آن منجر به اعلام جرم علیه این فرد و تشدید قرار نظارت نظارت شد. با اعلام جرم جدید و تشدید قرار نظارت قضایی، صلاح امروز صادق زیباکلام بازداشت شد. در حال حاضر پرونده این فرد در دادسرای فرهنگ و رسانه مطرح رسیدگی است.

عدد خبر

۷۱

درصد

شبکه بانکی در طی دو ماه نخست سال جاری، ۱۸۵۶.۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت کرد که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۷۱.۷ درصد (۷۷۵.۴ هزار میلیارد تومان) افزایش داشته است. بیش از ۴۱۶.۶ هزار میلیارد تومان از این تسهیلات، به همراه بخشی از تسهیلات در قالب کارت‌های اعتباری، معادل ۲۳ درصد، به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است. از کل تسهیلات پرداختی، ۱۴۴۰.۱ هزار میلیارد تومان، معادل ۷۷.۶ درصد، به صاحبان کسب‌وکار (حقوقی و غیرحقوقی) ۴۱۶.۶ هزار میلیارد تومان، معادل ۲۲.۴ درصد، به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است. از کل تسهیلات پرداختی به خانوارها، ۳۴۹.۹ هزار میلیارد تومان، معادل ۱۸.۸ درصد، به صورت تسهیلات خرد اعطا شده است.

عدد خبر

۱۱

اداره اطلاعات انرژی آمریکا در جدیدترین گزارش خود اعلام کرد: با وجود گذشت **میلیون بشکه** سه ماه از تجاوز آمریکایی- صهیونی به ایران، اختلال تولید نفت در خلیج فارس روندی صعودی داشته است. در نخستین ماه حمله به ایران، تولید نفت کشورهای منطقه ۸ میلیون و ۸۹۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت، اما در ماه فوریه به ۱۰ میلیون و ۵۲۰ هزار بشکه و در ماه می، با وجود برقراری آتش‌بس، به ۱۱ میلیون و ۲۵۰ هزار بشکه در روز رسید. تولید نفت عربستان ۳ میلیون و ۲۹۰ هزار بشکه در روز کمتر از پیش از جنگ بوده است. پس از آن، عراق با کاهش ۳ میلیون و ۱۹۰ هزار بشکه و کویت با یک میلیون و ۹۸۰ هزار بشکه قرار دارند.

عدد خبر

۲۰۴

هزار خودرو

مدیر امور مصرف شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران گفت: در حال حاضر، سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار خودروی جدید، اعم از تولید داخل، وارداتی یا مونتاژی، به ناوگان کشور اضافه می‌شود؛ با این حال، تقریباً اسقاط خودرو در سال گذشته ۲۰۴ هزار دستگاه در تمام کاربری‌های سواری، تاکسی، نیسان، حتی خودروهای سنگین و دیزل بوده است. عماد رفیعی ادامه داد: این تعداد اسقاط خودرو نسبت به تکلیف قانون برنامه هفتم، که رسیدن به عدد ۵۰۰ هزار اسقاط خودرو در سال است، کمتر است. درخواست ما از تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور این است که موضوع اسقاط را جدی بگیرند و چرایی انجام‌نشدن صحیح اسقاط خودرو در کشور مورد کارشناسی قرار گیرد.

عدد خبر

۱۲

عرضه اولیه

مدیرعامل شرکت بورس تهران از برنامه ریزی برای انجام ۱۲ عرضه اولیه در سال جاری خبر داد و اظهار کرد: متناسب با شرایط بازار و آمادگی ناشران، امیدواریم امسال عرضه‌های اولیه در بورس تهران انجام شود. محمود گودرزی از برنامه‌ریزی برای تأمین مالی دو شرکت پروژه خبر داد و افزود: یکی از بزرگ‌ترین عرضه‌های اولیه تاریخ بازار سرمایه را از نظر ارزش، در سال جاری اجرایی خواهیم کرد. این عرضه مربوط به یکی از هلدینگ‌های بزرگ صنعت پتروشیمی است که در صورت فراهم بودن شرایط بازار، به بورس خواهد آمد. او گفت: هفته آینده دومین عرضه اولیه سال جاری در بورس تهران انجام خواهد شد و به تدریج سایر عرضه‌های برنامه‌ریزی‌شده نیز وارد بازار خواهند شد.

توبنیاد عدم افزایش اعتبار کالبرگ را بررسی کرد؛

وعده‌ای که به سفره مردم نرسید

در پی اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز در نیمه دی‌ماه سال گذشته، ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی کالاهای اساسی حذف شد. دولت برای جبران آثار تورمی این تصمیم خود، پرداخت ماهانه یک میلیون تومان کالبرگ الکترونیکی را اجرا کرد؛ اما با گذشت شش ماه از اجرای این طرح و با وجود رشد شدید قیمت کالاهای اساسی دولت هنوز وعده دولت خود برای افزایش اعتبار کالبرگ عمل نکرده است.

فروش نفت، دولت با کمبود منابع مواجه است. او تأکید می‌کند دولت همچون پدر خانواده برای جامعه است و در شرایط جنگی نمی‌تواند آن را رها کند. به گفته وی، چند راه برای تأمین منابع وجود دارد؛ از جمله فروش سهام شرکت‌های دولتی، مولدسازی و انتشار اوراق، اما هنوز اراده کافی برای استفاده از این ابزارها شکل نگرفته است.

در حالی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از بررسی افزایش اعتبار سخن می‌گوید و محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، از ضرورت اصلاح کالبرگ خبر می‌دهد، سازمان برنامه و بودجه تأمین منابع را به بانک مرکزی مرتبط می‌داند و بانک مرکزی نیز مسئولیت را متوجه سازمان برنامه می‌کند. اما واقعیت این است که مردم نتیجه نهایی را در سفره خود مشاهده می‌کنند؛ سفره‌ای که هر روز کوچک‌تر می‌شود. در ابتدا گفته می‌شد سازمان برنامه و بودجه با افزایش کالبرگ موافق نیست و اجرای این تصمیم منوط به تأمین منابع مالی و موافقت این سازمان است، اما پس از آنکه رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد منابع طرح کالبرگ در حسابی نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شود و تخصیص آن به تصمیمات بعدی وابسته است، بانک مرکزی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که از اردیبهشت ۱۴۰۵ دیگر مسئولیتی در تأمین و تخصیص منابع کالبرگ ندارد و این مسئولیت طبق قانون بودجه بر عهده سازمان برنامه و بودجه است.

اکنون با وجود وعده‌های مسعود پزشکیان و سایر مقامات دولت چهاردهم برای افزایش مبلغ کالبرگ متناسب با تورم همچنان، خبری از افزایش مبلغ کالبرگ معادل تورم کالاهای اساسی نیست. هم‌زمان شنیده‌ها نیز نشان می‌دهد بانک مرکزی با افزایش اعتبار کالبرگ مخالف است. گفته می‌شود که بانک مرکزی به ریاست عبدالناصر همتی، مخالف اصلی افزایش مبلغ کالبرگ است و این افزایش را تورم‌زای دانسته است. نتیجه این اختلاف در دولت برای مردم تفاوتی ندارد، زیرا اعتبار کالبرگ همچنان یک میلیون تومان باقی مانده است؛ در حالی که قیمت کالاهای مشمول آن ماه به ماه افزایش یافته و قدرت خرید خانوارها کاهش پیدا کرده است. پرسش همگان نیز روشن است: اگر دولت از ماه‌ها قبل وعده افزایش اعتبار متناسب با تورم را داده بود، چرا امروز هیچ نهادی مسئولیت اجرای آن وعده را بر عهده نمی‌گیرد؟



نیما سهیلی

روزنامه نگار

نیمه دی‌ماه سال گذشته، دولت چهاردهم یکی از مهم‌ترین تصمیمات اقتصادی خود را با عنوان سیاست تک‌نرخی شدن ارز اجرا کرد. در این طرح، ابتدا ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی کالاهای اساسی حذف و منابع آن از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره مصرف منتقل شد. هم‌زمان نرخ ارز تجاری در تالار اول با قیمت ۸۴ هزار تومان نیز حذف و به تالار دوم با نرخ ۱۲۸ هزار تومان منتقل شد که امروز به حدود ۱۴۸ هزار تومان رسیده است.

هم‌زمان با این جراحی ارزی دولت اعلام کرد: برای جبران افزایش قیمت‌ها، به هر ایرانی ماهانه یک میلیون تومان اعتبار کالبرگ الکترونیکی پرداخت می‌کند تا خانوارها بتوانند ۱۱ قلم کالای اساسی شامل شیر، پنیر، ماست، روغن، تخم‌مرغ، مرغ، گوشت قرمز، حبوبات، برنج، قند و شکرو ماکارونی را خریداری کنند. در آن زمان، دولت وعده داد که این اعتبار یک میلیون تومانی، افزایش هزینه‌های ناشی از حذف ارز ترجیحی را به‌طور کامل جبران می‌کند. حتی رئیس‌جمهور و برخی اعضای کابینه وعده دادند که در صورت افزایش قیمت کالاهای با نرخ ارز، مبلغ کالبرگ نیز متناسب با آن افزایش خواهد یافت؛ اما اکنون که شش ماه از اجرای این سیاست می‌گذرد، پرسش اصلی این است که آیا دولت به وعده خود عمل می‌کند یا نه؟

زمانی که کالبرگ یک میلیون تومانی اجرایی شد، بنای محاسبات دولت قیمت کالاهای در دی‌ماه ۱۴۰۴ بود. در همان زمان نیز بسیاری از کارشناسان هشدار دادند که اگر تورم جهش پیدا کند و اعتبار کالبرگ ثابت بماند، قدرت خرید این یارانه به سرعت کاهش خواهد یافت. اکنون آمارها نشان می‌دهد این هشدارها بی‌راه نبوده است. طبق بررسی‌ها، افزایش هزینه سبد ۱۱ قلم کالای مشمول کالبرگ که در دی‌ماه حدود



سیاست ارزی
علیه کالبرگ

محسن زنگنه عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با اشاره به تأثیر سیاست‌های ارزی بر کاهش اثربخشی اقدامات حمایتی دولت، به‌ویژه طرح کالبرگ الکترونیکی، گفت: نخستین ایراد در نظام اقتصادی کشور به سیاست‌های ارزی بانک مرکزی بازمی‌گردد. با روند فعلی، یک میلیون که نه، اگر پنج میلیون تومان هم اعتبار کالبرگ به خانوارها داده شود، باز هم امکان جبران شکاف ایجاد شده در قدرت خرید مردم وجود نخواهد داشت.

تالار شیشه‌ای

روثق بورس با برتری خریداران

بازار سهام همچنان روند صعودی خود را ادامه می‌دهد به طوری که روز گذشته و در آخرین روز کاری هفته (چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵) سبزپوش ماند. با این حال، عرضه‌ها در بازار تشدید شد و ارزش معاملات خرد با رشد ۵۱ درصدی نسبت به سه‌شنبه هفته جاری به حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان رسید در مقابل ۳۰.۶ هزار میلیارد تومان پول حقیقی به چرخه سهام وارد شد. معاملات روز گذشته با ۲۵ هزار میلیارد تومان تقاضا در برابر ۳۲۰ میلیارد تومان عرضه آغاز شد و در پایان حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان درخواست خرید و ۳۷۰ میلیارد تومان سفارش فروش در ماشین و صندوق‌های سهامی، فشار فروشندگان در ۱۵ دقیقه ابتدایی معاملات، سرانه فروش را به ۱۱۶ میلیون تومان افزایش داد؛ در حالی که میانگین خرید حدود ۹۱ میلیون تومان بود. اما در ادامه، با عقب‌نشینی فروشندگان و پیشروی خریداران، بازار با برتری سرانه خرید ۹۳ به ۷۲ میلیون تومان به کار خود پایان داد.

شاخص کل بورس تهران در معاملات دیروز با ۵۲ هزار واحد افزایش (۱.۱ درصد) به ۴ میلیون و ۵۹۳ هزار و ۴۷ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۱.۴ درصدی در محدوده یک میلیون و ۲۳۵ هزار و ۲۶۸ واحد قرار گرفت. شاخص کل فرابورس نیز با رشد ۱.۳ درصدی به ۳۵ هزار و ۷۱ واحد رسید. در معاملات دیروز، مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس به حدود ۲۱۲ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، در محدوده ۱۵ هزار و ۹۴۴ همت قرار گرفت. براساس داده‌های سازمان بورس، ارزش کل معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی و معاملات پایانی (TAL) به ۲۴ هزار و ۵۰۶ میلیارد تومان رسید ارزش و حجم معاملات پایانی (TAL) دیروز نیز به ۱,۸۱۱ میلیارد تومان رسید که بالاترین رقم ثبت‌شده از زمان راه‌اندازی این مرحله از معاملات محسوب می‌شود.

بررسی داده‌های مربوط به شاخص صنایع فعال بورس نشان می‌دهد در جریان معاملات روز گذشته، میانگین رشد شاخص صنایع به ۱.۶۴ درصد رسید. همچنین از میان ۴۲ صنعت فعال بازار سهام، ۳۸ صنعت با رشد شاخص همراه شدند و تنها ۴ صنعت افت روزانه را ثبت کردند. داده‌های آماری حاکی از آن است که صنایع انتشار و چاپ، خرده‌فروشی، وسایل ارتباطی، استخراج نفت و گاز (به جز اکتشاف) و زغال‌سنگ در صدر جدول رشد روزانه شاخص صنایع قرار گرفتند. بیشترین ورود نقدینگی حقیقی نیز به ترتیب مربوط به گروه‌های فلزی، بانکی، صندوق‌های سهامی، فرآورده‌های نفتی، سیمانی، دارویی، غذایی، زراعت و مخابرات بود.

نوبیاد گزارش می دهد؛

آقای همتی! اسب زین شده را به کجا رساندید؟

کمتر از دو سال از تکه پرانی های عبدالناصر همتی به دولت سیزدهم درباره شاخص های اقتصادی می گذرد؛ زمانی که وی به عنوان وزیر اقتصاد دولت پزشکیان به صدواسیما رفت و در همان آغاز سخنان خود تلاش کرد

با مرور چند شاخص، وضعیت اقتصاد کشور را نامطلوب توصیف کند. همتی نمی دانست که کمتر از دو سال بعد، همین اظهارات برای مرور کارنامه خودش بازخوانی خواهد شد.



حمید کمار

روزنامه نگار

عبدالناصر همتی در آغاز به کار دولت پزشکیان و کمتر از ۱۰ روز پس از آنکه رأی اعتماد نمایندگان مجلس را برای تصدی وزارت اقتصاد دولت چهاردهم جلب کرده بود، در ۹ شهریور ۱۴۰۳ پا به صدواسیما گذاشت تا از برنامه های خود برای اقتصاد ایران سخن بگوید. او با لحنی پیروزمندانه والبتنه کنایه آمیز گفت: «برخی می گویند اسب زین شده به ما تحویل داده شده است؛ کدام اسب زین شده؟ دلار ۶۰ هزار تومانی، تورم ۴۰ درصدی و کسری بودجه ۳۰ درصدی را به ما تحویل دادند.» از همان ابتدا مشخص بود که همتی مغز متفکر تیم اقتصادی دولت پزشکیان است و جهت گیری اقتصادی دولت را تعیین می کند. نمونه آشکار این موضوع را می توان در تغییر مسیر سیاست ارزی بانک مرکزی در دوران ریاست محمدرضا فرزین مشاهده کرد. زمانی که همتی وزیر اقتصاد دولت چهاردهم شد، سیاست تثبیت ارزی که محمدرضا فرزین، رئیس کل وقت بانک مرکزی، تا پیش از آن دنبال می کرد، ناگهان در پاییز ۱۴۰۳ دستخوش تغییر شد. نرخ ارز نیمایی در مرکز مبادله با سرعت بیشتری نسبت به قبل افزایش می یافت. با آنکه همتی از استقلال بانک مرکزی و عدم دخالت خود در موضوعات ارزی سخن گفته بود، در مقاطع مختلف بارها از سیاست ارز چندنرخه انتقاد کرد و از لزوم یکسان سازی نرخ ارز سخن گفت. حتی پایگاه اطلاع رسانی وزارت اقتصاد نیز در آن زمان گزارش ها و مصاحبه های متعددی علیه سیاست ارزی وقت بانک مرکزی منتشر می کرد.

همتی پس از چند ماه، به دلیل سیاست های گران سازی از سوی مجلس استیضاح شد و در اسفند ۱۴۰۳ وزارت اقتصاد را ترک کرد؛ اما در دی ماه سال گذشته بار دیگر جایگزین محمدرضا فرزین در بانک مرکزی شد. اکنون اما دیگر خبری از حضور مکرر همتی در رسانه ها، تلویزیون و مصاحبه های او نیست. فرمانده اقتصادی دولت پزشکیان و رئیس کل کنونی بانک مرکزی مدت هاست در هیچ رسانه ای حاضر نشده و توضیحی درباره عملکرد و برنامه های خود ارائه نمی دهد. حتی طی روزهای اخیر که بحث ها درباره علت شکل گیری موج تورمی جدید بالا گرفته، خبری از همتی

برای دفاع از کارنامه اقتصادی دولت یا حتی تکرار تکه پرانی های پیشین به دولت سیزدهم نیست.

هرچند همتی برای تشریح وضعیت اقتصادی کنونی و مقایسه آن با وضعیت پایان دولت سیزدهم غایب است، اما اعداد و ارقام حاضر هستند. در تابستان ۱۴۰۳ و زمانی که نتایج انتخابات ریاست جمهوری مشخص شد، رسانه های نزدیک به دولت چهاردهم ارقام مختلفی از وضعیت اقتصادی را بازگو کردند تا نشان دهند پزشکیان اقتصاد را در شرایط نامطلوبی تحویل گرفته است. اکنون با گذشت نزدیک به دو سال از آن روزها، مرور همان شاخص ها می تواند معیاری برای مقایسه عملکرد دولت فعلی و دولت قبل باشد.

کارنامه دولت پزشکیان به روایت آمارها

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی از ۳۱ درصد در ۹ ماهه نخست سال ۱۴۰۳ به تنها ۰۳ درصد در ۹ ماهه نخست سال ۱۴۰۴ رسید. نرخ تورم سالانه که در شهریور ۱۴۰۳ معادل ۳۴۲ درصد بود، در اردیبهشت امسال به ۵۷۰۷ درصد افزایش یافت. همچنین تورم نقطه به نقطه از ۳۱۰۲ درصد در شهریور ۱۴۰۳ به ۸۳۰۹ درصد در اردیبهشت امسال رسید. نرخ رشد نقدینگی نیز از ۲۷۰۸ درصد در پایان شهریور ۱۴۰۳ به ۴۰۰۹ درصد در پایان آذر ۱۴۰۴ افزایش یافت. هرچند با ورود همتی به بانک مرکزی در دی ماه سال گذشته، انتشار بسیاری از آمارها از جمله شاخص های پولی متوقف شد، اما شنیده ها حاکی از آن است که نرخ رشد نقدینگی در بهار امسال به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. میانگین قیمت مسکن در شهر تهران که در خرداد ۱۴۰۳، طبق اعلام رسانه های نزدیک به

دولت پزشکیان، حدود ۸۶ میلیون تومان بود، در اردیبهشت امسال به حدود ۱۵۰ میلیون تومان افزایش یافت. بهای هر دلار آمریکا در بازار غیررسمی نیز از حدود ۶۰ هزار تومان در ابتدای دولت پزشکیان به حدود ۱۸۰ هزار تومان رسید که نشان دهنده جهش سه برابری در کمتر از دو سال است. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز از حدود سه و نیم میلیون تومان به حدود ۱۸ میلیون تومان رسید. قیمت هر کیلوگرم گوشت گوسفندی از حدود ۶۵۰ هزار تومان در خرداد ۱۴۰۳ به حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان در اردیبهشت امسال افزایش یافت. همچنین قیمت هر کیلوگرم مرغ از ۸۴ هزار تومان در خرداد ۱۴۰۳ به ۳۶۰ هزار تومان در اردیبهشت امسال رسید. قیمت هر کیلوگرم برنج ایرانی نیز از حدود ۱۲۰ هزار تومان در خرداد ۱۴۰۳ به ۵۱۵ هزار تومان در اردیبهشت امسال افزایش یافت. بازار خودرو هم از مسابقه افزایش قیمت در دولت پزشکیان عقب نماند. قیمت ارزان ترین خودروی صفر کیلومتر سایپا در بازار آزاد که در تابستان ۱۴۰۳ کمتر از ۴۰۰ میلیون تومان بود، اکنون به مرز یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان رسیده است. این ارقام و شاخص ها تصویری از عملکرد نزدیک به دو ساله دولت چهاردهم ارائه می کنند؛ جهش هایی که منتقدان آن را حاصل تصمیمات و مدیریت اقتصادی دولت مسعود پزشکیان می دانند. اکنون همتی باید پاسخ دهد که با «اسب زین شده» چه کرده اند. هرچند بسیاری از کارشناسان معتقدند روند افزایش قیمت ها، در صورت تداوم سیاست های فعلی، همچنان ادامه خواهد یافت و تورم در ماه های آینده نیز رکوردهای جدیدی ثبت خواهد کرد.

شاخص های اقتصادی	آغاز به کار دولت پزشکیان	وضعیت فعلی
رشد اقتصادی	۳۰۱ درصد	۰۳ درصد
تورم سالانه	۳۴۲ درصد	۵۷۰۷ درصد
تورم نقطه به نقطه	۳۱۰۲ درصد	۸۳۰۹ درصد
رشد نقدینگی	۲۷۰۸ درصد	۴۰۰۹ درصد (آذر ۱۴۰۴)
قیمت هر متر مسکن در تهران	۸۶ میلیون تومان	۱۵۰ میلیون تومان
هر دلار آمریکا	۶۰ هزار تومان	۱۸۰ هزار تومان
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	۱۸ میلیون تومان
یک کیلو گوشت گوسفندی	۶۵۰ هزار تومان	یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان
هر کیلو گوشت مرغ	۸۴ هزار تومان	۳۶۰ هزار تومان
یک کیلو برنج ایرانی	۱۲۰ هزار تومان	۵۱۵ هزار تومان
ارزانترین خودروی	۴۰۰ میلیون تومان	یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان

موج خبر

اقتصاد آمریکا

زیر فشار موج جدید تورمی

رویترز روز گذشته گزارش داد که احتمالاً تورم مصرف کننده در ایالات متحده در ماه مه ۲۰۲۶، تحت تأثیر افزایش قیمت حامل های انرژی ناشی از منازعات خاورمیانه، سریع ترین رشد خود را در سه سال گذشته تجربه کرده است؛ امری که اهرم فشار بیشتری در اختیار فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) قرار می دهد تا نرخ بهره را در سال جاری بدون تغییر نگه دارد. انتظار می رود گزارش جدید وزارت کار آمریکا، برای سومین ماه متوالی ارقام بالایی از تورم را نشان دهد. این موضوع نمایانگر فشار فزاینده بر خانوارهاست، زیرا شواهد نشان می دهد مصرف کنندگان بیشتری برای تأمین مخارج خود به استفاده از پس اندازهایشان روی آورده اند. احتمالاً در ماه مه، برای دومین ماه متوالی نرخ تورم از رشد دستمزدها پیشی خواهد گرفت؛ رویدادی که می تواند بر رشد کلی اقتصاد سایه بیندازد.

جوزف بروسولاس، اقتصاددان ارشد مؤسسه آر.اس.ام (RSM)، در این باره گفت: «رشد شاخص کل تورم برای دومین ماه پیاپی از رشد دستمزدها پیشی خواهد گرفت. معنای این سخن آن است که آمریکایی ها شاهد کاهش قدرت خرید واقعی دستمزدهای خود هستند؛ پدیده ای که اگر تداوم یابد، نشان دهنده چالش جدی در بخش مصرف خانوارها در نیمه دوم سال خواهد بود.»

بر اساس نظرسنجی رویترز از اقتصاد دانان، پیش بینی می شود که تورم سالانه آمریکا در ماه مه به ۴۰۲ درصد افزایش یافته باشد. این بالاترین رقم از آوریل ۲۰۲۳ خواهد بود و از رقم ۳۰۸ درصدی ماه آوریل نیز فراتر می رود. همچنین انتظار می رود تورم ماهانه در ماه مه ۰۰۵ درصد باشد. فدرال رزرو برای هدف گذاری تورم ۲ درصدی خود، «شاخص قیمت هزینه های مصرف شخصی» (PCE) را ملاک قرار می دهد. با این حال، در حال حاضر تمامی معیارهای سنجش تورم بسیار بالاتر از نرخ هدف فدرال رزرو قرار دارند. داده های اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان داد که میانگین کشوری قیمت بنزین در ماه مه به ۸۰۸ درصد افزایش به ۴۰۶۰ دلار در هر گالن رسیده است. در مقطعی، پس از حمله ایالات متحده و اسرائیل به ایران در اواخر فوریه، قیمت بنزین بیش از ۵۰ درصد جهش کرده بود.

با این حال، در هفته های اخیر و در پی برقراری آتش بس، قیمت ها تا حدی فروکش کرده اند؛ امری که برخی اقتصاد دانان را با احتیاط امیدوار ساخته است که ماه مه می تواند نقطه اوج شاخص قیمت باشد. اگرچه محدودیت های کشتیرانی در تنگه هرمز قیمت کود شیمیایی را افزایش داده است، اما این موضوع هنوز تأثیر چشمگیری بر قیمت مواد غذایی نگذاشته است. استفان استتلی، اقتصاددان ارشد بخش آمریکای مؤسسه Santander U.S. Capital Markets، اظهار داشت: «احتمال زیادی وجود دارد که رشد سالانه تورم شاخص کل فعلاً در ماه مه به اوج خود برسد، هرچند که مطمئناً قیمت نفت، بسته به روند تحولات در خاورمیانه، می تواند دوباره جهش کند.»

با حذف بخش های نوسانی مواد غذایی و انرژی، پیش بینی می شود شاخص کلیدی تورم (Core CPI) در ماه مه، پس از رشد ۲۰۸ درصدی در آوریل، ۲۰۹ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته باشد. همچنین انتظار می رود این شاخص، موسوم به تورم هسته، در مقیاس ماهانه پس از رشد ۰۰۴ درصدی در ماه قبل، ۰۰۳ درصد افزایش یابد. جیمز نایتلی، اقتصاددان ارشد بین المللی در بانک آیان جی (ING)، گفت: «اگر شاخص کلیدی (هسته) نشانه هایی از انتقال اثرات تورمی را بروز دهد، یعنی افزایش هزینه های انرژی در سایر بخش ها نیز منعکس شود، در آن صورت این همان عاملی خواهد بود که سناریوی افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو را کلید می زند. ما در شرایطی هستیم که بانک مرکزی همچنان موضع سیاست پولی خود را تا حدودی انقباضی می داند.»

آقای همتی؛ یادتان هست؟

آقای همتی؛ در ابتدای دولت چهاردهم، شما با اشاره به دلار ۶۰ هزار تومانی، تورم ۴۰ درصدی و کسری بودجه، از «اسب زین شده» انتقاد می کردید و آن را نماد مشکلات به جامانده از دولت قبل می دانستید.

امروز اما همان شاخص ها، با اعدادی به مراتب بزرگ تر، دوباره مقابل افکار عمومی قرار گرفته اند. شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که به همان پرسشی پاسخ داده شود که روزی با کنایه مطرح می کردید. اگر آنچه

تحویل گرفتید اسب زین شده نبود، اکنون با اقتصادی که در اختیار داشتید چه کرده اید؟ قضاوت نهایی با مردم است، اما آمارها معمولاً حافظه ای دقیق تر از سیاستمداران دارند.

بین الملل

اسرائیل هیوم: استراتژی نتانیا هو علیه ایران با شکست کامل مواجه شده است

روزنامه «اسرائیل هیوم» نوشت: «وضعیت راهبردی اسرائیل در قبال ایران به طرز چشمگیری رو به وخامت گذاشته و با یک شکست کامل مواجه شده است. واقعیت استراتژیک جدید، مقابله با تهدید ایران را برای اسرائیل در آینده دشوار می‌کند.» این روزنامه افزود: «شکست اصلی ناشی از تکبر و فرضیات نادرست در موسسه امنیتی اسرائیل است. ایران آماده است تا برای تحمیل معادلات جدید از جمله جلوگیری از حمله اسرائیل به بیروت، ریسک رویارویی را بپذیرد.»

این روزنامه گزارش داد: «واقعیت استراتژیک پیچیده است و به‌ویژه با توجه به وابستگی اسرائیل به ایالات متحده چالش‌های بزرگ‌تری را برای آن ایجاد می‌کند. بازگشت به توافق با ایران، حتی اگر به مسئله هسته‌ای بپردازد نشان‌دهنده ضعف استراتژیک اسرائیل است. حملات کاملاً شکست خوردند و در بازداشتن ایران یا تغییر توازن قدرت موفق نشدند و تنها وضعیت استراتژیک اسرائیل را وخیم کردند.» در این راستا روزنامه معاریو نیز نوشت: «سرسختی ایرانی‌ها و حزب‌الله سال گذشته به ما ثابت کرد که با دشمنان غیر قابل پیش‌بینی روبرو هستیم. تسلیم کردن ایرانی‌ها و حزب‌الله دشوار است؛ آنها ظرفیت بسیار بالایی برای استقامت دارند. این وضعیت می‌تواند اسرائیل را به سمت یک جنگ فرسایشی بی‌پایان ببرد.»



پرونده اپستین چگونه دولت ترامپ را به بحران کشاند؟

وحشت‌پرونده اپستین در کاخ سفید

گزارش افشاگرانه نیویورک‌تایمز از پشت‌پرده هراس و آشفتگی در کاخ سفید پرده برداشته است؛ جایی که مقام‌های ارشد دولت ترامپ ماه‌ها درگیر مهار تبعات پرونده جفری اپستین بودند. این گزارش نشان می‌دهد ادعاهای چندساله درباره شفافیت و انتشار کامل اسناد، در عمل جای خود را به تلاش برای کنترل بحران و جلوگیری از آسیب‌های سیاسی به رئیس‌جمهور آمریکا داده است.

یادداشت وزارت دادگستری به شدت از پیم بانندی انتقاد کرده و او را مسئول شکل‌گیری بحران دانسته است. به روایت این گزارش، بونجینو در جلسات داخلی با عصبانیت اعلام کرده بود که مقام‌های دولت از ابتدا هشدارهای او را نادیده گرفته‌اند. در بخش دیگری از گزارش آمده است که وزارت دادگستری آمریکا در جریان بررسی پرونده با میلیون‌ها صفحه سند مواجه بوده است. برخی از این اسناد حاوی اظهارات تأیید نشده شاهدان، گزارش‌های تحقیقاتی خام و اطلاعات مربوط به افراد سرشناس بوده است. مقام‌های دولت نگران بودند انتشار کامل این مجموعه عظیم، موج تازه‌ای از اتهامات و جنجال‌های سیاسی را ایجاد کند. نیویورک‌تایمز همچنین به بحث‌های داخلی درباره گیسلین مک‌سول، همدست سابق اپستین، اشاره می‌کند. در برخی جلسات حتی موضوع کاهش مجازات یا اعطای امتیازاتی به او برای همکاری بیشتر مطرح شده بود، اما بسیاری از حاضران با این ایده مخالفت کردند و آن را از نظر سیاسی فاجعه‌بار دانستند.

در نهایت، فشارهای فزاینده از سوی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها موجب شد «قانون شفافیت پرونده‌های اپستین» در کنگره تصویب شود. این قانون دولت را ملزم کرد بخش گسترده‌ای از اسناد مرتبط را منتشر کند. به نوشته نیویورک‌تایمز، حجم این اسناد به میلیون‌ها صفحه می‌رسید و نام ترامپ، اعضای خانواده او و املاک وابسته به وی هزاران بار در این مدارک ذکر شده بود؛ هرچند وزارت دادگستری تأکید کرد که وجود نام افراد در اسناد به معنای ارتکاب جرم نیست.

جمع‌بندی نیویورک‌تایمز این است که پرونده اپستین به بحرانی تبدیل شد که برخلاف بسیاری از جنجال‌های سیاسی پیشین، دولت ترامپ نتوانست به سادگی از کنار آن عبور کند. این پرونده نه تنها شکاف‌های درونی دولت را آشکار ساخت، بلکه بی‌اعتمادی عمیق بخش مهمی از افکار عمومی آمریکا نسبت به نهاد‌های رسمی و دستگاه عدالت این کشور را نیز نمایان کرد.

کرده است. نیویورک‌تایمز می‌نویسد همزمان با افزایش فشارها، مقام‌های ارشد دولت ترامپ در اتاق وضعیت کاخ سفید گرد هم آمدند تا راهی برای کنترل بحران پیدا کنند. در این جلسات، چهره‌هایی همچون جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور، سوزی وایلز رئیس دفتر کاخ سفید، پیم بانندی دادستان کل، کش پاتل رئیس اف‌بی‌آی و تاد بلانش معاون دادستان کل حضور داشتند. طبق روایت این گزارش، جی‌دی ونس از مدافعان انتشار کامل اسناد اپستین بود. او استدلال می‌کرد که در نهایت کنگره دولت را مجبور به انتشار اسناد خواهد کرد و بهتر است کاخ

سفید خود پیش‌دستانه عمل کند. ونس حتی پیشنهاد داده بود که تمامی اسناد، از جمله مواردی که ممکن است نام ترامپ در آن‌ها ذکر شده باشد، منتشر شوند تا دولت بتواند ادعای شفافیت را مطرح کند. در مقابل، بخش دیگری از تیم ترامپ نگران پیامدهای سیاسی چنین اقدامی بود. تاد بلانش راهکارهایی برای کاهش فشارها ارائه کرد. از جمله درخواست برای رفع محرمانگی برخی اسناد هیئت منصفه پرونده اپستین. به گفته نیویورک‌تایمز، این گزینه از آن جهت جذاب بود که در صورت مخالفت دادگاه‌ها، دولت می‌توانست مسئولیت عدم انتشار اسناد را متوجه قوه قضائیه کند.

گزارش همچنین به مقاله جنجالی وال‌استریت ژورنال اشاره می‌کند که درباره روابط گذشته ترامپ و اپستین منتشر شد. نویسندگان می‌گویند ترامپ شخصاً تلاش کرد مانع انتشار این گزارش شود و با مدیران و سردبیران مؤسسه رسانه‌ای تماس گرفت، اما در نهایت موفق نشد.

یکی دیگر از بخش‌های مهم گزارش به اختلافات شدید میان مقام‌های دولت مربوط است. نیویورک‌تایمز فاش می‌کند که دن بونجینو، معاون اف‌بی‌آی، پس از انتشار



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

گزارش اختصاصی روزنامه نیویورک‌تایمز از پشت‌پرده جلسات محرمانه کاخ سفید نشان می‌دهد پرونده جفری اپستین، سرمایه‌دار بدنام آمریکایی و متهم اصلی شبکه سوءاستفاده جنسی، در سال ۲۰۲۵ به یکی از جدی‌ترین بحران‌های سیاسی دولت دونالد ترامپ تبدیل شده بود؛ بحرانی که به نوشته این روزنامه، عالی‌ترین مقامات دولت آمریکا را بارها به اتاق وضعیت کاخ سفید کشاند.

براساس این گزارش، بحران از زمانی تشدید شد که وزارت دادگستری و اف‌بی‌آی در ژوئیه ۲۰۲۵ اعلام کردند پس از بررسی گسترده اسناد موجود، هیچ «فهرست مشتریان» مخفی از افراد بانفوذ مرتبط با اپستین پیدا نشده است. این نتیجه نه تنها به گمانه‌زنی‌ها پایان نداد، بلکه خشم بخش قابل توجهی از حامیان جنبش «ماگا» را برانگیخت؛ جریانی که سال‌ها معتقد بود دولت آمریکا اسامی افراد قدرتمند مرتبط با شبکه سوءاستفاده جنسی اپستین را پنهان

تماس‌های ترامپ برای جلوگیری از رسوایی

نیویورک‌تایمز به مقاله جنجالی وال‌استریت ژورنال اشاره می‌کند که درباره روابط گذشته ترامپ و اپستین منتشر شد. نویسندگان می‌گویند ترامپ شخصاً تلاش کرد مانع انتشار این گزارش شود و با مدیران و سردبیران مؤسسه رسانه‌ای تماس گرفت، اما در نهایت موفق نشد.

یادداشت

بن بست و اشنگتن،

نسخه تل‌آویو

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

گزارش اخیر بنیاد یهودی امور امنیت ملی (JINSA) را باید فراتر از یک تحلیل سیاسی یا توصیه به کاخ سفید دانست. این گزارش که به قلم میخائیل ماکوسکی و بلیز میستال، رئیس و معاون این اندیشکده صهیونیستی نوشته شده، در واقع تصویری روشن از نگاه محافل حامی اسرائیل به بحران میان ایران و آمریکا ارائه می‌دهد؛ نگاهی که در آن نه دیپلماسی معنا دارد و نه توافق، بلکه تنها زبان مطلوب، زبان فشار، جنگ و بی‌ثبات‌سازی است.

نویسندگان گزارش از همان ابتدا با لحنی عصبی و طلبکارانه به دونالد ترامپ می‌تازند و می‌نویسند که او به دلیل واکنش‌های ناکافی نظامی و پذیرش آتش‌بس، در مسیری گرفتار شده که ممکن است یک عملیات نظامی را به «شکست استراتژیک» تبدیل کند. آنها حتی واکنش محدود آمریکا به اقدامات ایران را نشانه ضعف دانسته و تصریح می‌کنند که ترامپ باید از این فرصت برای ازسرگیری حملات نظامی استفاده می‌کرد.

اما آنچه این گزارش را مهم می‌کند، توصیه‌های جنگ‌طلبانه آن نیست؛ بلکه اعترافی است که ناخواسته در لابه‌لای سطور آن دیده می‌شود. نویسندگان اذعان می‌کنند که ترامپ در یک بن بست گرفتار شده است؛ بن‌بستی که نه با تهدید حل شده و نه با تحریم و نه با عملیات نظامی. در متن گزارش آمده است که «رئیس‌جمهور آمریکا میان دو مسیر گرفتار مانده؛ از یک سو حاضر نیست توافقی را بپذیرد که به زعم آنان موجب تقویت ایران شود و از سوی دیگر از تبعات گسترش جنگ و پیامدهای اقتصادی و امنیتی آن هراس دارد.»

سال‌ها فشار حداکثری، تحریم، عملیات خرابکارانه، ترور و نهایتاً دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه قرار بود ایران را به نقطه تسلیم برساند، اما اکنون یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌های نزدیک به تل‌آویو از رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد برای خروج از بن بست، جنگ را گسترش دهد. در بخش دیگری از گزارش، ماهیت واقعی این پروژه آشکارتر می‌شود. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند آمریکا حملات خود را از سر بگیرد، تأسیسات موشکی و هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد، زیرساخت‌های انرژی را تخریب کند، صادرات نفت ایران را مختل سازد و حتی از مخالفان جمهوری اسلامی حمایت تسلیحاتی به عمل آورد. این توصیه‌ها نشان می‌دهد مسئله اصلی این جریان نه پرونده هسته‌ای و نه امنیت منطقه، بلکه تضعیف قدرت ملی ایران و ایجاد بی‌ثباتی داخلی است.

نکته قابل تأمل تر آن است که نویسندگان با صراحت می‌نویسند «هیچ توافقی نباید صورت گیرد» و مدعی می‌شوند هر توافقی تنها به مشروعیت و توان اقتصادی جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد. این جمله به خوبی نشان می‌دهد که از نگاه محافل صهیونیستی، مسئله صرفاً نوع توافق نیست؛ بلکه آنها اساساً از هر وضعیتی که به تثبیت قدرت ایران منجر شود نگران هستند. به همین دلیل نیز نسخه پیشنهادی آنان نه مذاکره، بلکه تشدید فشار و گسترش درگیری است.

تشدید تهدیدها پس از شکست در میدان؛ واشنگتن وتل آویو هنوز از واقعیت ایران درس نگرفته اند

قمار خطرناک در هرمز

همزمان با افزایش حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به زیرساخت های ارتباطی و راداری ایران، تهدیدهای بی سابقه دونالد ترامپ علیه تأسیسات حیاتی کشور نیز وارد مرحله ای تازه شده است. مجموعه این تحرکات نشان می دهد نبرد با ایران از فاز فشار سیاسی و اقتصادی عبور کرده و وارد مرحله ای شده

که در آن برخی محافل آمریکایی و صهیونیستی بار دیگر رویای تهاجم مستقیم و حتی درگیری زمینی با جمهوری اسلامی را در سر می پروراند؛ رویایی که ریشه آن را باید در تداوم خطاهای محاسباتی دشمن و برخی پیام های غلط داخلی جست وجو کرد.



محسن فرهمند

روزنامه نگار

در حالی که هنوز آثار و تبعات جنگ تحمیلی اخیر علیه ایران به منطقه و جهان باقی است، شواهد میدانی و سیاسی نشان می دهد که آمریکا و رژیم اسرائیل نه تنها از این اشتباه درس نگرفته اند بلکه در حال بازتولید همان خطاهای راهبردی هستند که پیش تر هزینه های سنگینی برآنان تحمیل کرد.

ریشه نخست این وضعیت را باید در اشتباه محاسباتی مزمنی جست و جو کرد که سال هاست در واشنگتن و تل آویو وجود دارد؛ این تصور که ایران در برابر فشارها و تجاوزات مستقیم واکنش تعیین کننده نشان نخواهد داد و یا به دلیل برخی ملاحظات سیاسی و مذاکراتی، پاسخ خود را به تعویق خواهد انداخت. همین برداشت غلط، بارها آمریکا و اسرائیل را به سمت اقدامات ماجراجویانه سوق داده است. در کنار این مسئله، نمی توان از برخی مواضع و اظهارات نادرست داخلی اخیر نیز چشم پوشی کرد؛ مواضعی که گاه ناخواسته این شائبه را به طرف مقابل منتقل کرده که جمهوری اسلامی در موقعیتی ضعیف قرار دارد یا به هرقیمت در پی رسیدن به توافق است. تجربه نشان داده هرگاه دشمن کوچک ترین نشانه ای از تردید یا ضعف برداشت کرده، نه تنها عقب نشینی نکرده بلکه بر حجم تهدیدات و فشارها افزوده است.

الگوی حملات آمریکا، آماده سازی برای تهاجم زمینی است

اما آنچه در هفته های اخیر اهمیت ویژه ای دارد، الگوی جدید حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی است. حملات به تأسیسات راداری و ارتباطی جزیره قشم و همچنین هدف قرار دادن زیرساخت های راداری، ارتباطی و پشتیبانی در نوار ساحلی تنگه هرمز، مناطقی در استان بوشهر و جزایر ایرانی خلیج فارس، صرفاً حملاتی تاکتیکی یا مقطعی نیست. این اقدامات در امتداد حملات مشابه دوران جنگ ۴۰ روزه تحمیلی سوم قرار می گیرد و حامل یک پیام روشن است؛ دشمن در حال آماده سازی بستر برای حمله زمینی به ساحل تنگه هرمز، جزایر ایرانی خلیج فارس و مسیرهای راهبردی جنوب کشور است. این مسئله زمانی نگران کننده تر می شود که کنار برخی مواضع رسمی آمریکایی قرار گیرد. خبرگزاری تاس، قدیمی ترین خبرگزاری روسیه، در

گزارشی اعلام کرد که مسکو بار دیگر به تهران هشدار داده پروژه موسوم به «صلح» و «توافق» می تواند پوششی برای طراحی حمله زمینی علیه ایران باشد. همزمان ماربا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، هشدار داد هرگونه عملیات زمینی علیه ایران به معنای تشدید خطرناک تنش ها و دارای پیامد های بالقوه جبران ناپذیر برای امنیت جهانی خواهد بود.

این هشدارها در حالی مطرح می شود که ترامپ عصر روز گذشته در تهدیدی آشکار مجدداً اظهار داشت: امروز (چهارشنبه) به ایران حمله خواهیم کرد! ایران وقت کشی می کند و نمی دانم رهبرانش چه می کنند؛ مادر حال جلوگیری از دستیابی آنها به سلاح هسته ای هستیم به توافق با ایران بسیار نزدیک بودیم، اما آنها همچنان وقت کشی می کنند و ما را فریب می دهند دیروز شدیداً به آن ها ضربه زدیم و امروز هم دوباره شدیداً ضربه خواهیم زد

دونالد ترامپ نیز در ۸ ژوئن اذعان کرد در صورت شکست مذاکرات، آمریکا می تواند نیروهای ویژه خود را برای انجام مأموریت های نظامی به ایران اعزام کند. چنین موضعی در کنار الگوی حملات اخیر به مناطق ساحلی و جزایر ایرانی، تصویری روشن از ذهنیت خطرناک حاکم بر بخشی از ساختار قدرت آمریکا ارائه می دهد؛ ذهنیتی که همچنان تصور می کند می توان با تکرار سناریوهای شکست خورده گذشته و بالاتر رفتن از نردبان تنش، اراده ملت ایران را در هم شکست. از سوی دیگر، مرد دیوانه کاخ سفید در روزهای گذشته بار دیگر در گفت وگو با فاکس نیوز مدعی شد به صدور دستور

حملات جدید علیه نیروگاه ها و پل های ایران نزدیک شده است و علت آن را طولانی شدن روند مذاکرات عنوان کرد. این سخنان در واقع اعترافی آشکار به ماهیت واقعی پروژه آمریکاست؛ پروژه ای که هدف آن نه توافق، بلکه استفاده از مذاکرات به عنوان ابزاری برای افزایش فشار، فرسایش توان ملی و آماده سازی بستر اقدامات تهاجمی است. آنچه این تصویر را کامل تر می کند، نقش لابی های صهیونیستی در آمریکا است. اندیشکده یهودی جیسنرا در گزارشی به آمریکا توصیه می کند حملات خود را از سر بگیرد، تأسیسات موشکی و هسته ای ایران را هدف قرار دهد، زیرساخت های انرژی را تخریب کند، صادرات نفت ایران را مختل سازد و حتی از مخالفان جمهوری اسلامی حمایت تسلیحاتی به عمل آورد.

مطالبه ملی برای بازتعریف دکترین هسته ای

با این حال، همین جریان ها هنوز عمق حماقت راهبردی خود را درک نکرده اند. آمریکا پیش تر نیز با ورود به چرخه تقابل مستقیم با ایران نه تنها دستاوردی کسب نکرد بلکه هزینه های سنگینی پرداخت؛ از نابودی گسترده تجهیزات و دارایی های نظامی گرفته تا بحران بی سابقه انرژی ناشی از مسدود شدن تنگه هرمز. در چنین شرایطی هیچ اقدامی از سوی ترامپ که تمام زندگی سیاسی و اقتصادی خود را بر پایه قمار، ریسک و زورگویی نهاده نه در فرهنگ بدوی آمریکایی، بنا کرده بعید نیست. از این رو مسئولان کشور باید از هرگونه موضعی که بتواند به دشمن سیگنال ضعف ارسال کند پرهیز کنند. در کنار آن باید با صراحت اعلام شود که هر تجاوز جدید علیه زیرساخت های ایران با پاسخی چندبرابر و مقابله به مثل علیه زیرساخت ها، چاه های نفت و گاز و منابع راهبردی متحدان عربی منطقه ای آمریکا و رژیم صهیونیستی مواجه خواهد شد.

فراتر از این، اکنون زمان آن رسیده که سیاست و دکترین کلی کشور نسبت به پروژه چند مرحله ای و چندین ساله آمریکا و اسرائیل برای تضعیف و نابودی ایران بازتعریف شود. تهدیدهای مکرر ترامپ، نتانیا هو و اطرافیان آنان درباره نابودی تمدن ایران، سخن گفتن از «نفجارهای بزرگ» و ادبیاتی که تداعی کننده تهدیدات هسته ای است، موجب شده مطالبه بازدارندگی حاکمیتی به واسطه تغییر در دکترین اتمی کشور بیش از هر زمان دیگری در افکار عمومی مطرح شود. در همین زمینه دو موضع مهم قابل تأمل است. مارکوروبیو، وزیر خارجه آمریکا، در جلسه استماع سنا اذعان کرد: اگر ایران سلاح هسته ای داشت، آمریکا عملاً نمی توانست اقدام مؤثری علیه آن انجام دهد. در سوی دیگر، سرگئی لاوروف نیز با اشاره به سرنوشت لیبی تصریح کرد یکی از دلایل اصلی حرکت کره شمالی به سمت توان هسته ای، مشاهده سرنوشت معمر قذافی بود؛ کشوری که برنامه هسته ای خود را واگذار کرد اما در نهایت هدف حمله قرار گرفت و قذافی به شکلی فجیع کشته شد. مجموع این واقعیت های یک پیام روشن دارد؛ دشمن نه از زبان مذاکره، بلکه از موضع قدرت سخن می گوید و تنها عاملی که می تواند او را از تکرار حماقت های جدید بازدارد، افزایش هزینه تجاوز و تقویت بازدارندگی ملی است؛ بازدارندگی ای ویژه و خاصی که امروز بیش از هر زمان دیگری به یک ضرورت راهبردی برای امنیت و آینده ایران تبدیل شده است.

ادامه سرمقاله

تحریم نتیجه مذاکرات

امیرشهبهانی
روزنامه نگار

ایران در سال های گذشته بیشترین سطح همکاری را با آژانس بین المللی انرژی اتمی داشته است. دوربین نصب شد، بازرسی انجام شد، دسترسی داده شد و ده ها بار حسن نیت جمهوری اسلامی اثبات شد. اما آیا نتیجه این همکاری ها بسته شدن پرونده های سیاسی بود؟ آیا تحریم ها لغو شد؟ آیا فشارها پایان یافت؟ آیا غرب از سیاست خصمانه خود دست برداشت؟ پاسخ همه این پرسش ها منفی است.

واقعیت آن است که مشکل غرب با ایران نه چند سانتیفریو است و نه چند کیلوگرم اورانیوم. مسئله اصلی، استقلال ایران است. آنها با ایرانی مشکل دارند که زیر بار خواسته هایشان نمی رود. به همین دلیل هرگاه یک بهانه از دستشان خارج می شود، بهانه دیگری تولید می کنند. یک روز حقوق بشر، روز دیگر موشکی، روز بعد منطقه و امروز هم پرونده هسته ای.

تصویب همین قطعنامه بهترین گواه این واقعیت است. در حالی که برخی همچنان از ضرورت مذاکره و تعامل سخن می گویند، آمریکا و سه کشور اروپایی همزمان مشغول تهیه و تصویب قطعنامه علیه ایران هستند. این رفتار معنایی جز این ندارد که غرب اساساً مذاکره را نه راه حل، بلکه ابزاری برای افزایش فشار می داند. آنها پشت میز مذاکره لبخند می زنند و همزمان در نهادهای بین المللی چاقوی سیاسی خود را تیزی می کنند. امروز کسانی که همچنان نسخه «اعتماد سازی بیشتر» را تجویز می کنند، باید به این سؤال پاسخ دهند که ایران دقیقاً چه اقدام دیگری باید انجام می داد که تاکنون انجام نداده است؟ اگر نتیجه همکاری، قطعنامه است، اگر نتیجه مذاکره، فشار بیشتر است، اگر نتیجه حسن نیت، اتهام و تهدید است، پس مشکل از رفتار ایران نیست، بلکه از ماهیت طرف مقابل است.

در چنین شرایطی طبیعی است که بازنگری و بررسی جدی خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) صورت بگیرد. پیمانی که ایران دهه ها به تعهدات خود در چارچوب آن پایبند بوده، اما در مقابل نه تنها از حقوق قانونی خود بهره مند نشده، بلکه همواره با فشار، تهدید، تحریم و پرونده سازی مواجه شده است.

به ویژه آنکه همزمان با تصویب این قطعنامه، دونالد ترامپ و جریان حامی او بار دیگر زبان تهدید علیه ایران را در پیش گرفته اند. این واقعیت نشان می دهد که حتی گسترده ترین همکاری ها نیز توانسته از شدت خصومت آمریکا بکاهد. از این منظر، این پرسش جدی مطرح است که ادامه وضعیت فعلی چه منفعتی برای ایران دارد و آیا زمان آن نرسیده است که گزینه های جدید روی میز قرار گیرد؟

در چنین فضایی، خروج از NPT و حرکت به سمت سیاست ابهام هسته ای، دست کم به عنوان یک گزینه راهبردی، باید با جدیت مورد بررسی قرار گیرد. تجربه نشان داده است که شفافیت یک طرفه و همکاری بدون دریافت حقوق متقابل، نه تنها امنیت و منافع ایران را تأمین نکرده، بلکه به ابزاری برای اعمال فشار بیشتر تبدیل شده است. هنگامی که طرف مقابل به جای احترام به تعهدات خود، از سازوکارهای بین المللی برای فشار سیاسی استفاده می کند، طبیعی است که تهران نیز در محاسبات راهبردی خود تجدید نظر کند.

قطعنامه شورای حکام صرفاً یک سند سیاسی علیه ایران نیست؛ سندی است علیه یک توهم قدیمی. توهمی که گمان می کرد با لبخند، اعتماد سازی و عقب نشینی می توان دشمنی طرف مقابل را پایان داد. امروز بار دیگر ثابت شد که غرب زبان مذاکره را نمی فهمد. تنها زبانی که می فهمد، زبان قدرت، اقتدار و هزینه مند کردن اقدامات خصمانه است.

وقتی تهدید، زبان

رسمی کاخ سفید می شود

حمله به

زیرساخت های

ارتباطی و راداری

جنوب کشور، تهدید

به هدف قرار دادن

نیروگاه ها و پل ها،

سخن گفتن از

اعزام نیروهای ویژه

و تشویق آشکار

آمریکا به تخریب

زیرساخت های

انرژی ایران از سوی

محافل اسرائیلی،

همگی قطعات یک

پازل واحد هستند؛

پازلی که نشان

می دهد واشنگتن و

تل آویو همچنان در

اسارت همان اشتباه

محاسباتی قدیمی

قرار دارند. تجربه

سال های گذشته

اما ثابت کرده هر بار

که دشمن از پنجره

تهدید وارد شده،

با دیوار هزینه های

سنگین و غیرقابل

پیش بینی مواجه

شده است؛ واقعیتی

که ظاهراً هنوز برای

طراحان پروژه فشار

حداکثری قابل فهم

نشده است.

گزارش کوتاه

فوتبال روی پرده!

علی نقدی
روزنامه‌نگار

بر اساس گزارش‌های اخیر، اداره اماکن نیروی انتظامی مجوز نهایی پخش سه بازی تیم ملی ایران در مسابقات جام جهانی را از سینماهای تهران صادر کرده است. این بازی‌ها که در سه تاریخ ۲۶ خرداد (ساعت ۴:۳۰ بامداد)، ۳۱ خرداد (ساعت ۲۲:۳۰ شب) و ۶ تیر (ساعت ۶:۳۰ صبح) برگزار می‌شوند.

به دلیل زمان برگزاری بامدادی و صبحگاهی خود، چالش‌های نظارتی فراوانی داشتند، اما در نهایت با تایید اماکن، بلیت‌فروشی آن‌ها از اواخر این هفته یا شنبه آینده آغاز خواهد شد. سینماداران پایتخت امیدوارند با اختصاص تمام سالن‌های پردیس‌های بزرگ، پس از مدت‌ها رکود، شاهد استقبال چشم‌گیر مردم باشند. ایده اکران فوتبال در سینماهای ایران موضوع جدیدی نیست و پیشینه‌ای پر فراز و نشیب دارد. این طرح همواره به عنوان یک کاتالیزور قدرتمند برای نجات اقتصاد سینما در دوران بحران مطرح بوده است. موافقان این طرح، به ویژه سینماداران، تماشای دسته جمعی فوتبال را فرصتی بی‌نظیر برای ایجاد «شور و هیجان جمعی»، ترویج تفریحات خانوادگی در محیطی امن و بهره‌مندی از کیفیت حرفه‌ای صدا و تصویر پرده‌نقشه‌ای می‌دانند. از دیدگاه اقتصادی نیز، پخش مسابقات در سانس‌های کم‌مخاطب (مثل بامداد)، بدون آسیب به اکران روزانه، درآمدی مکمل و حیاتی برای سالن‌ها خلق می‌کند.

اما در سوی دیگر، این پدیده با مخالفت‌های جدی از سوی فیلم‌سازان و منتقدان مواجه بوده است. منتقدان معتقدند تبدیل سالن‌های سینما به استادیوم‌های کوچک، شأن و منزلت فرهنگی این مکان هنری را خدشه‌دار می‌کند؛ جایی که باید محل تماشای آثار عمیق باشد، به محیطی برای تخمه شکستن، فریاد زدن و تخلیه هیجانات بدنی تبدیل می‌شود. چالش دوم، مسئله «صاحبان آثار» است. رسانه‌های تخصصی پیش از این بارها گزارش داده‌اند که در زمان پخش فوتبال، توجه مخاطب از فیلم‌های روی پرده منحرف شده و نظارت دقیقی بر سهم مالی تهیه‌کنندگان صورت نمی‌گیرد که این امر به ضرر بدنه فیلم‌سازی تمام می‌شود. به نظر می‌رسد سریال‌تصمیمات مسکن که در کوتاه‌مدت می‌توانند سینماها را رونق بدهند، ادامه دارد و فعلاً خبری از سیاستگذاری دقیق و تصمیمات جدی نیست.

چرا بعضی از فیلمسازان با وجود شکست‌های متعدد جای خود را به جوانان نمی‌دهند

دیپلماسی شکست‌ناپذیر آقا کمال!

سال‌ها گذشته است. این مسئله سوای عارضه‌ای که برای کارگردان مربوطه دارد، نسل جدید سینماگران در دهه شصت، هفتاد و حتی هشتاد را در عصر تکنولوژی سرخورده می‌کند.



ایمان عظیمی

روزنامه‌نگار

یکی از این موارد کمال تبریزی است که آثار قابل توجهش به ایام گذشته و وقتی دلار ۸۰۰ تومان بود بازمی‌گردد. اما با اینحال سکان هدایت سریال بی‌عاطفه را در دست گرفت تا نشان دهد پلتفرم‌ها هیچ قاعده‌ای برای کنترل کیفی آثارشان ندارند.

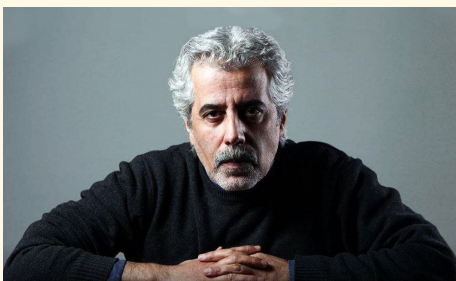
داستان همیشگی آفتابه و لگن

کمال تبریزی پیش از آن که به فاجعه «بی‌عاطفه» برسد، تعداد زیادی فیلم و سریال بنجل در این سال‌ها تولید کرده بود. یکی از این فیلم‌ها «ما همه با هم هستیم» است. شاید مخاطب عادی که سینما را به چشم یک سرگرمی عادی می‌بیند، به دلیل استفاده از بازیگران سرشناسی مانند مهران مدیری، لیلا حاتمی، پژمان جمشیدی، جواد عزتی و... فریب بخورد و به سینما برود اما در همان دقایق ابتدایی متوجه می‌شود که اثر نه تنها آتش دهن‌سوزی نیست، بلکه به زهرمی ماند و مخاطب را در فریم به فریم و لحظه به لحظه‌اش آزار می‌دهد. این فیلم یک هیچ مطلق بود و با وجود هزینه و خرج فراوان، به یک شکست تجاری بدل شد تا کمال تبریزی ادامه راه سقوطش را بدون هیچ مانعی طی کند.

حمله به سرمایه اجتماعی نظام با مارموز

یک سال پیش از این، کمال تبریزی فیلم به اصطلاح کم‌دی «مارموز» را با بازی حامد بهداد روانه اکران کرد. نتیجه پیش از وقوع کاملاً قابل پیش‌بینی بود. بهداد با وجود هواداران همیشه در صحنه مجازی و شلوغ کاری‌های بی‌شمار در بستر اینستاگرام، تاکنون هیچ‌گاه ضامن فروش یک فیلم نبوده است. در این فیلم کمال تبریزی در یک استراتژی کاملاً شکست‌خورده از بهداد به عنوان بازیگر اصلی فیلم

مادرانگی ماست و خوزستان، به واسطه نقش تاریخی و حیاتی‌اش در حیات کشور، جایگاهی فراتر از یک استان دارد. درویش با اشاره به سال‌های حضور خود در خوزستان و تجربه زیسته در آن منطقه، این سرزمین را بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ایرانی دانست و افزود که زیرساخت‌های حیاتی کشور، از انرژی تا منابع آب، به این جغرافیا گره خورده است. وی همچنین در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به روند شکل‌گیری و تولید مستند «پهلوانان نمی‌میرند»، از تلاش مجموعه سازندگان اثر در پرداختن به یک موضوع اجتماعی حساس و دشوار تقدیر کرد. این اظهارات در فضایی مطرح شد که جمعی از سینماگران و هنرمندان برای رونمایی از فیلم گرد هم آمده بودند؛ نشست که در آن بر اهمیت مستندسازی اجتماعی و نقش هنر در بازنمایی واقعیت‌های کمتر دیده‌شده نیز تأکید شد.



در مراسم رونمایی و اکران افتتاحیه مستند «پهلوانان نمی‌میرند» در پردیس چارسو، احمدرضا درویش، کارگردان سینمای ایران، با تأکید بر پیوند عمیق خود با خوزستان، این استان را «مادرِ مادرِ ما» توصیف کرد. او گفت ایران سرزمین

یادداشت

لامرد را چه کسی روایت خواهد کرد؟

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

بیش از سه ماه از حمله آمریکا به لامرد گذشته و تازه حالا ابعاد واقعی این جنایت در حال آشکار شدن است. چهار موشک، صدها هزار ساچمه تنگستن، ده‌ها شهید و مجروح و محله‌هایی که در عرض چند ثانیه به صحنه یک فاجعه انسانی تبدیل شدند. با این حال سوال مهم اینجاست که چرا جامعه ایران تازه امروز در حال آشنایی با جزئیات این حادثه است؟

در ماه‌های گذشته کمبود تریبون نداشتیم. پس از آتش‌بس، ده‌ها برنامه گفت‌وگومحور درباره جنگ روی آنتن رفت. ساعت‌ها تحلیل سیاسی و نظامی تولید شد. سرودها، نمادها و مستندهای متعددی ساخته شدند و بسیاری از چهره‌های فرهنگی و رسانه‌ای درباره جنگ سخن گفتند. اکنون نیز پلتفرم‌ها برای پوشش مسابقات جام جهانی فوتبال مسابقه گذاشته‌اند، اما سهم لامرد از این حجم عظیم تولید محتوا چه بود؟ تقریباً هیچ.

مشکل اینجاست که ما هنوز میان خبر و روایت تفاوت قائل نمی‌شویم. خبر حمله به لامرد منتشر شد، اما روایت آن شکل نگرفت. کسی سراغ خانواده قربانیان نرفت. کسی چهره کودکانی را که در سالن ورزشی و زمین فوتبال هدف قرار گرفتند به حافظه عمومی نسپرد. نه مستند مؤثری تولید شد و نه حتی یک مطالبه رسانه‌ای جدی برای زنده نگه داشتن این فاجعه شکل گرفت.

این در حالی است که لامرد از منظر فرهنگی و رسانه‌ای کمتر از میناب نیست. همان‌طور که امروز ساخت فیلم درباره کودکان میناب به یک ضرورت تبدیل شده، لامرد نیز نیازمند روایت است. نیازمند فیلم، سریال، مستند، رمان و گزارش‌های عمیق روزنامه‌نگارانه. اگر این اتفاق نیفتد، طبیعی است که چند ماه بعد، افکار عمومی حتی نام قربانیان را نیز به خاطر نیاورد. جنگ فقط در آسمان و روی زمین رخ نمی‌دهد؛ بخش مهمی از آن در حافظه مردم جریان دارد. هر حادثه‌ای که روایت نشود، دیرپا زود از حافظه جمعی حذف می‌شود. دشمن برای روایت خود بودجه، رسانه و شبکه جهانی در اختیار دارد. پرسش اینجاست که ما برای روایت رنج مردم خود چه کرده‌ایم؟

شاید مهم‌ترین درس لامرد همین باشد؛ اینکه داشتن تریبون به تنهایی کافی نیست. هنر آن است که بتوان از دل یک فاجعه انسانی، روایتی ماندگار ساخت. روایتی که نگذارد نام قربانیان زیر آوار خبرهای روزمره دفن شود. امروز بیش از هر زمان دیگری به کسانی نیاز داریم که لامرد را روایت کنند؛ پیش از آنکه دیر شود.

خوزستان مادر ماست!